

ENLORD.com



وبسایت آموزش

زبان انگلیسی

Prefixes
vs.
Suffixes
in English

پیشوندها
در مقابل
پسوندها
در زبان انگلیسی

پیشوندها در مقابل پسوندها

در زبان انگلیسی از پیشوندها و پسوندها برای تولید کلمات جدید استفاده می شود و موقعی که آنها به یک کلمه اضافه می شوند معنای آن کلمه را کاملاً تغییر می دهند و کلمه ای جدید ساخته می شود. ما در این درس به معرفی پرکاربردترین این پیشوندها و پسوندها و نیز نحوه استفاده از آنها در کلمات انگلیسی می پردازیم.

نکته: از پیشوند **re** موقعی استفاده می شود که انجام دوباره یک عمل مدنظر باشد. برای استفاده از پیشوند **re** باید حتماً آنرا به ابتدای شکل پایه یک فعل اضافه کنیم:

مثال	معنی	مثال	معنی
Rewrite	دوباره نویسی	Reset	تنظیم مجدد
Recycle	بازیابی کردن	Regain	بازیافتن
Reread	بازخوانی	Revision	بازبینی
Restart	شروع مجدد	Reclaim	ادعای مجدد

نکته: از پیشوند **un** موقعی استفاده می شود که حالت برعکس و منفی یک عمل یا کیفیت مدنظر باشد. برای استفاده از پیشوند **un** باید حتماً آنرا به ابتدای شکل پایه یک فعل یا یک صفت اضافه کنیم:

مثال	معنی	مثال	معنی
Unlock	قفل گشایی	Unaware	بی خبر
Unable	ناتوان بودن	Unhappy	غمگین
Undo	خراب کردن	Unmarried	مجرد
Untwist	واتابیدن، گشودن	Uncomfortable	ناراحت

نکته: از پیشوند **pre** موقعی استفاده می شود که پیش از یک عمل یا کیفیت مدنظر باشد. برای استفاده از پیشوند **pre** باید حتماً آنرا به ابتدای شکل پایه یک فعل یا یک اسم اضافه کنیم:

Preview	پیش نمایش	Prenatal	پیش زادی
---------	-----------	----------	----------

Prepay	پیش پرداخت	Premature	پیش رس
Presale	پیش فروش	Preset	پیش تنظیم
Preorder	پیش سفارش	Pretest	پیش آزمون

نکته: از پیشوند **mis** موقعی استفاده می شود که قُرم اشتباه و بانقص یک عمل یا کیفیت مدنظر باشد. برای استفاده از پیشوند **mis** باید آنرا به ابتدای شکل پایه یک فعل یا یک اسم اضافه کنیم:

مثال	معنی	مثال	معنی
Misbehave	بد رفتار کردن	Miscalculate	اشتباه محاسبه کردن
Misjudge	بد قضاوت کردن	Misconception	تصور اشتباه
Mismanage	بد اداره کردن	Mispronounce	تلفظ غلط
Mislead	گمراه کردن	Misquote	بد نقل کردن

نکته: از پیشوند **dis** موقعی استفاده می شود که شکل متضاد و مخالف یک عمل یا کیفیت مدنظر باشد. برای استفاده از پیشوند **dis** باید آنرا به ابتدای شکل پایه یک فعل یا یک اسم یا صفت اضافه کنیم:

مثال	معنی	مثال	معنی
Discontent	ناراضی	Discourage	دلسرد کردن
Disgrace	رسوایی	Discredit	بی اعتبار ساختن
Disinfect	ضد عفونی کردن	Disadvantage	زیان، مضرت
Disconnect	قطع اتصال نمودن	Disagreeable	نامطبوع

نکته: از پیشوند **under** موقعی استفاده می شود که میزان کمتر، پایین تر یا ناکافی یک عمل یا کیفیت و نیز زیر یک چیز مدنظر باشد. برای استفاده از پیشوند **under** باید آنرا به ابتدای شکل پایه یک فعل یا یک اسم یا صفت اضافه کنیم:

مثال	معنی	مثال	معنی
Underground	زیر زمین	Underpay	کمتر پرداخت کردن
Undervalue	زیر قیمت	Underestimate	کمتر تخمین زدن
Underwater	زیر آب	Undergraduate	دانشجوی دوره لیسانس

Underwear | Undercook | کمتر از میزان لازم پختن | لباس زیر

نکته: از پیشوند **over** موقعی استفاده می شود که میزان بیشتر، بالاتر یا بیش از حد یک عمل یا کیفیت مدنظر باشد. برای استفاده از پیشوند **over** باید آنرا به ابتدای شکل پایه یک فعل یا یک اسم یا صفت اضافه کنیم:

مثال	معنی	مثال	معنی
Overeat	بیش از حد خوردن	Overoptimistic	خیلی خوش بین
Overwork	زیاد کار کردن	Overjoyed	خیلی سر خوش
Overbear	زیاد میوه دادن	Overabundant	بسیار فراوان
Overbid	زیاد پیشنهاد کردن	Overactive	خیلی فعال

نکته: از پیشوند **in** موقعی استفاده می شود که حالت برعکس و منفی یک کیفیت مدنظر باشد. برای استفاده از پیشوند **in** باید آنرا به ابتدای یک صفت اضافه کنیم:

مثال	معنی	مثال	معنی
Invisible	نامرئی	Incomplete	بی خبر
Incapable	ناتوان	Insignificant	ناچیز
Inaction	بی عملی	Inexorable	بی وقفه
Insane	دیوانه	Independent	مستقل

نکته: از پیشوند **im** موقعی استفاده می شود که حالت فقدان و نبود یک کیفیت مدنظر باشد. برای استفاده از پیشوند **im** باید آنرا به ابتدای یک صفت اضافه کنیم:

مثال	معنی	مثال	معنی
Impossible	غیر ممکن	Immature	نابالغ
Immoral	غیر اخلاقی	Impartial	بی طرف
Imbalance	عدم تعادل	Impenetrable	نفوذ ناپذیر
Imperfect	ناقص، ناکامل	Impolite	بی ادب

نکته: از پسوند **able** موقعی استفاده می شود که توانا بودن بر یک عمل یا دارنده و شایسته یک کیفیت خاص بودن مدنظر باشد. برای استفاده از پسوند **able** باید آنرا به انتهای یک صفت یا شکل پایه یک فعل اضافه کنیم:

مثال	معنی	مثال	معنی
Enjoy able	لذت بردنی	Comfort able	راحت
Read able	خواندنی	Reason able	معقول
Separ able	جدا شدنی	Variable	متغیر، تغییر کردنی
Wash able	شستنی، قابل شستن	Suit able	مناسب

نکته: از پسوند **ful** موقعی استفاده می شود که پُر بودن از یک خصیصه یا کیفیت خاص مدنظر باشد. برای استفاده از پسوند **ful** باید آنرا به انتهای یک اسم اضافه کنیم:

مثال	معنی	مثال	معنی
Shame ful	شرم آور	Dread ful	وحشتناک
Beautiful	زیبا	Pain ful	دردناک
Care ful	با احتیاط	power ful	قوی
Harm ful	مُضر	cheer ful	بشاش، خوشرو

نکته: از پسوند **ment** موقعی استفاده می شود که اشاره به اعمال، فرآیندها یا وضعیت ها مدنظر باشد. برای استفاده از پسوند **ment** باید آنرا به انتهای شکل پایه یک فعل اضافه کنیم:

مثال	معنی	مثال	معنی
Management	مدیریت	Government	دولت
Increment	افزایش	Content ment	رضایت، خرسندی
Achieve ment	دستیابی، اکتساب	Improve ment	بهبود
Excite ment	هیجان	Disappoint ment	نا امیدی

نکته: از پسوند **tion** موقعی استفاده می شود که اشاره به اعمال، وضعیتها، فرآیندها، نتیجه یا تاثیر اعمال مدنظر باشد. برای استفاده از پسوند **tion** باید آنرا به انتهای شکل پایه یک فعل اضافه کنیم:

مثال	معنی	مثال	معنی
Revolution	انقلاب	Election	انتخاب
Relation	ارتباط	Prohibition	ممنوعیت
Transition	گذار	Contribution	همکاری و کمک
Validation	اعتبار	Exhibition	نمایش

نکته: از پسوند **ship** موقعی استفاده می شود که اشاره به موقعیت، وضعیت، یا وظایف و همچنین مهارت و توانایی کسی یا چیزی مدنظر باشد. برای استفاده از پسوند **ship** باید آنرا به انتهای شکل پایه یک فعل یا اسم اضافه کنیم:

مثال	معنی	مثال	معنی
Professorship	استادی	Horsemanship	سوارکاری
Dictatorship	دیکتاتوری	Penmanship	خوش خطی
Friendship	دوستی	Championship	قهرمانی
Relationship	ارتباط	Citizenship	شهروندی

نکته: از پسوند **ness** موقعی استفاده می شود که اشاره به وضعیت، شرایط یا کیفیت خاص در چیزی یا کسی مدنظر باشد. برای استفاده از پسوند **ness** معمولا باید آنرا به انتهای یک صفت اضافه کنیم:

مثال	معنی	مثال	معنی
Happiness	شادی	Kindness	مهربانی
Blindness	کورگی	Smoothness	صافی
Darkness	تاریکی	Brightness	روشنایی
Loneliness	تنهایی	Fitness	تناسب

نکته: از پسوند **er** موقعی استفاده می شود که اشاره به کسی یا چیزی که کاری را انجام می دهد مدنظر باشد. برای استفاده از پسوند **er** معمولا باید آنرا به انتهای شکل پایه یک فعل اضافه کنیم:

مثال	معنی	مثال	معنی
Worker ^{er}	کارگر	Builder ^{er}	معمار
Speaker ^{er}	سخنگو	Baker ^{er}	نانوا
Driver ^{er}	راننده	Reader ^{er}	خواننده
Explorer ^{er}	کاوشگر	Singer ^{er}	آواز خوان

نکته: از پسوند **ist** موقعی استفاده می شود که اشاره به دارا بودن یک اعتقاد یا تخصص یا کیفیت خاص در یک فرد مدنظر باشد. برای استفاده از پسوند **ist** باید آنرا به انتهای یک اسم اضافه کنیم:

مثال	معنی	مثال	معنی
Biologist ^{ist}	زیست شناس	Islamist ^{ist}	اسلام گرا
Pianist ^{ist}	پیانو زن	Anthropologist ^{ist}	مردم شناس
Fascist ^{ist}	فاشیست	Artist ^{ist}	هنرمند
Zionist ^{ist}	صهیون گرا	Cartoonist ^{ist}	نقاش کارتونی

نکته: از پسوند **less** موقعی استفاده می شود که اشاره به فاقد بودن و نبود یک کیفیت یا خصیصه در یک فرد یا چیز مدنظر باشد. برای استفاده از پسوند **less** باید آنرا به انتهای یک اسم اضافه کنیم:

مثال	معنی	مثال	معنی
Harmless ^{less}	بی ضرر	Homeless ^{less}	بی خانمان
Careless ^{less}	بی دقت	Painless ^{less}	بی درد
Fruitless ^{less}	بی ثمر	Mindless ^{less}	بی ذهن
Ruthless ^{less}	بی رحم	Countless ^{less}	بی شمار